مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران

بسم الله الرحمن الرحیم

فقه ۲

سطح ۲

درس ۳۸

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار : آقای جمالی

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

مقدمه

در درس گذشته چند مطلب بیان شد:

الف) تعریف اعتکاف

ب) شرایط صحت اعتکاف

ج) محرمات اعتکاف

در این درس مصنف این مباحث را توضیح می‌دهد:

الف) دلیل مستحب موکد بودن اعتکاف

ب) ادله شرایط صحت روزه

ج) ادله محرمات اعتکاف

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

متن عربی

و اما استحبابه الاکید، فیدل علیه الامر بتطهیر البیت الحرام للعاکفین و «عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی للطائفین و العاکفین و الرکع السجود[۱]» و موثق السکونی عن الامام الصادق علیه‌السلام : ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، قال: «اعتکاف عشر فی شهر رمضان تعدل حجتین و عمرتین»[۲] و غیره؛ و السکونی ثقة لدعوی الشیخ فی مبحث حجیة الخبر من «العدة» الاجماع علی العمل برواياته.[۳]

و اما اشتراط صحته بالصوم، فلصحیح الحلبی السابق و غیره.

و اما انه لا یکون اقل من ثلاثة فلموثق عمر بن یزید عن ابی عبد الله علیه السلام «لا یکون الاعتکاف اقل من ثلاثة ایام»[۴] و غیره؛ و المقصود من محمد بن علی الوارد فی السند هو ابن محبوب الاشعری القمی الثقة الجلیل بقرینة الحسن بن محبوب، فانه یروی عنه کثیرا.

و اما اعتبار کون المسجد جامعا فهو رای معروف و ان ذهب البعض الی الحصر بالمساجد الاربعة و آخر الی الاکتفاء بکل مسجد انعقدت فیه جماعة صحیحة؛ و منشا ذلک، اختلاف الروایات. ففی بعضها الاکتفاء بالمسجد الجامع کصحیح الحلبی المتقدم و غیره.

و فی بعضها الآخر اعتبار صلاة الامام العدل جماعة، کصحیح عمر بن یزید : «قلت لابی عبد الله علیه السلام : ما تقول فی الاعتکاف ببغداد فی بعض مساجدها؟ فقال: لا اعتکاف الا فی مسجد جماعة قد صلی فیه امام عدل صلاة جماعة و لا باس ان یعتکف فی مسجد الکوفة و البصرة و مسجد المدینة و مسجد مکة»[۵] و قد فهم البعض من الامام العدل الامام المعصوم علیه‌السلام و رتب علی ذلک حصر المساجد فی الاربعة لانها اللتی صلی فیها الامام المعصوم علیه‌السلام.

الا ان الفهم المذکور قابل للتامل. فان الظاهر کون المقصود کل امام جماعة عادل و معه یکون المدار علی المسجد الذی انعقدت فیه جماعة صحیحة.

و النتیجة ان لدینا طائفتین: ما دل علی اعتبار المسجد الجامع و ان لم تنعقد فیه جماعة صحیحة، و ما دل علی اعتبار انعقاد الجماعة الصحیحة بلا لزوم کونه جامعا.

و یمکن الجمع بحمل الجامع علی ما انعقدت فیه جماعة صحیحة و کان جامعا لها لا علی المعروف فی البلد. اجل الاحوط ان یکون جامعا للوصفین معا؛ و احوط منه کونه احد الاربعة.

---

[۱]. البقره، ۱۲۵.

[۲]وسائل الشیعة، باب ۱ من الاعتکاف، حدیث ۳.

[۳]. العدة فی الاصول، ۱/ ۱۴۹.

[۴]. وسائل الشیعة، باب ۴ من الاعتکاف، حدیث ۵.

[۵]. وسایل الشیعة، باب ۳ من الاعتکاف، حدیث ۸.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

و اما عدم جواز مباشرة انساء، فلقوله تعالی: «و لا تباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد»[۱] و لموثقة الحسن بن الجهم عن ابی عبد الله علیه‌السلام : «المعتکف یاتی اهله فقال: لا یاتی امرءته لیلا و لا نهارا و هو معتکف»[۲] و غیرها.

و اما اختصاص الحرمة بالجماع، فلاصل البرائة بعد قصور المقتضی.

و اما عدم جواز شم الطیب و الریاحین، فلصحیحة ابی عبیده عن ابی جعفر علیه السلام : «المعتکف لا یشم الطیب و لا یتلذذ بالریحان و لا یماری و لا یشتری و لا یبیع» [۳]

و اما اعتبار التلذذ فی شم الطیب، فللانصراف الی ذلک و لعل منشاه ان شم الطیب بما هو طیب یساوی الالتذاذ. علی ان تقیید النهی فی الریحان بالتلذذ قد یوکد ذلک.

و اما النهی عن البیع و الشراء و المماراة – الجدال– فلصحیحة المتقدمة

واما تقیید النهی عن المماراة بما کان لغرض دنیوی او دینی بقصد الغلبة دون ما کان لدحض باطل او اثبات حق، فلانصراف النهی الی ذلک.

و اما عدم جواز الخروج الا لما ذکر فلصحیحة داود بن سرحان المتقدمة فی رقم ۱.

---

[۱]. البقره، ۱۸۷.

[۲]. وساءل الشیعة، باب ۵ من الاعتکاف، حدیث ۱.

[۳]. همان، باب ۱۰ من الاعتکاف، حدیث ۱.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

ادله استحباب موکد اعتکاف

الف) قرآن کریم: «وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهيمَ وَ إِسْماعيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائفينَ وَ الْعاكِفينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ»[1]ترجمه: «و به ابراهیم و اسماعیل وحی کردیم که خانه‌ام را برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان سجده‌کنندگان پاکیزه گردانی» از این که به ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام امر شده که برای معتکفین مسجد را تطهیر و تمییز کنند فهمیده می‌شود اعتکاف مستحب است و نیز استفاده از صیغه امر (طَهِّرا) بیانگر جایگاه و شأن بلند معتکفین و اعتکاف است.

ب) روایات: در روایات ثواب فروانی برای این عمل اختصاص داده شده است که بر استحباب موکد آن دلالت دارد.

البته در تایید مطلب فوق مصنف به روایتی از سکونی اشاره می‌کند که رسول خدا فرموده است: «اعتکاف در ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است».

گرچه سکونی فطحی المذهب است اما فقها به روایت ایشان عمل می‌کنند و شیخ طوسی در بحث حجیت خبر واحد در کتاب «**عدة الاصول**» می‌گوید: به اجماع فقها، سکونی فردی ثقه و روایاتش قابل استناد و تمسک است.

شرطیت روزه در صحت اعتکاف

صحت اعتکاف مشروط به روزه گرفتن است و دلیل آن روایتی است که فرمود:«لا اعتکاف الا بصوم» اعتکاف باید با روزه باشد.

دلیل عدم جواز اعتکاف در کمتر از سه روز

و اما این که حداقل اعتکاف باید سه روز باشد به واسطه روایاتی است از جمله، موثقه عمر بن یزید از امام صادق علیه‌السلام: «اعتکاف کمتر از سه روز جایز نیست».

اشکال: در سند این روایت محمد بن علی قرار دارد و ما در اسناد روایات چند تا محمد بن علی داریم که برخی ثقه و برخی مجهول و برخی ضعیف‌اند حال منظور از این محمد بن علی کدام است؟

مصنف می‌فرماید: مراد از این محمد بن علی، همان ابن محبوب اشعری قمی است که او شخص ثقه و جلیل القدری است، زیرا در سند روایت، حسن بن محبوب قرار دارد و ما می‌دانیم که حسن بن محبوب کثیرا و غالبا از محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی نقل می‌کند؛ پس مراد از محمد بن علی همان ابن محبوب اشعری قمی است که ثقه است.

---

[1]. بقره/ ۱۲۵.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

تطبیق

۳. و اما استحبابه الاکید، فیدل علیه الامر بتطهیر البیت الحرام للعاکفین و «عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی للطائفین و العاکفین و الرکع السجود[۱] **و موثق السکونی عن الامام الصادق علیه‌السلام : ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، قال: «اعتکاف عشر فی شهر رمضان تعدل حجتین و عمرتین»**[۲] **و غیره؛ و السکونی ثقة لدعوی الشیخ فی مبحث حجیة الخبر من «العدة» الاجماع علی العمل برواياته.**[۳]

دلیل بر استحباب موکد اعتکاف، امر خداوند به حضرت ابراهیم بر تطهیر مسجد الحرام برای معتکفین است «از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از هر پلیدی پاکیزه دارند برای این‌که اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیاند و در آن رکوع و سجود کنند؛ و موثقه سکو نی از امام صادق علیه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اعتکاف در ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است» و سکونی ثقه است، چون شیخ طوسی در کتاب العده در بحث حجیت خبر واحد ادعای اجماع به عمل کردن به روایات او نموده است.

۴. و اما اشتراط صحته بالصوم، فلصحیح الحلبی السابق و غیره.

و اما شرط صحت اعتکاف به روزه، به دلیل صحیحه حلبی است که گذشت و غیر این صحیحه.

۵. و اما انه لا یکون اقل من ثلاثة فلموثق عمر بن یزید عن ابی عبد الله علیه السلام «لا یکون الاعتکاف اقل من ثلاثة ایام»[۴] **و غیره؛ و المقصود من محمد بن علی الوارد فی السند هو ابن محبوب الاشعری القمی الثقة الجلیل بقرینة الحسن بن محبوب، فانه یروی عنه کثیرا.**

و مستند عدم صحت اعتکاف کمتر از سه روز، موثقه عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام است: «اعتکاف کمتر از سه روز نیست» و غیر این روایت.

و مقصود از محمد بن علی که در سند این روایت آمده است همان ابن محبوب اشعری قمی است که ثقه بوده و از بزرگان است، چرا که حسن بن محبوب از او زیاد نقل می‌کند.

Sco۱ :۸ :٤٥

تفاسیر مسجد جامع

در روایات آمده است که اعتکاف باید در مسجد جامع باشد، حال سؤال این است که مراد از مسجد جامع چیست؟ الف) برخی تفسیر کرده‌اند که مراد همان مسجدی است که نماز جمعه در آن اقامه می‌شود ولی عده‌ای گفته‌اند مسجدی است که افراد به صورت مرتب در آن جمع می‌شوند و اقامه نماز می‌کنند.

---

[۱]. البقره، ۱۲۵.

[۲]. وسائل الشیعة، باب ۱ من الاعتکاف، حدیث ۳.

[۳]. العدة فی الاصول، ۱/ ۱۴۹.

[۴]. وسائل الشیعة، باب ۴ من الاعتکاف، حدیث ۵.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

ب) و برخی گفته‌اند که مسجدی که افراد به صورت مرتب در آن رفت و آمد می‌کنند و جمع می‌شوند و اقامه نماز می‌کنند.

ج) برخی گفته‌اند که منظور از مسجد جامع، اختصاص به چهار مسجد دارد:

۱- مسجد الحرام در مکه

۲- مسجد النبی در مدینه

۳- مسجد کوفه

٤ مسجد بصره که به مسجد الامیر نام گذاری شده است.

فقط در این چهار مسجد می‌توان اعتکاف کرد، زیرا امام معصوم در این چهار مسجد نماز گذارده‌اند.

منشا اختلاف

در برخی روایات تعبیر به مسجد جامع آمده است و در برخی از روایات به مسجدی که در آن امام عادلی یک نماز صحیحی اقامه کرده باشد، تعبیر شده است.

و اما مراد از امام عدل چیست؟ برخی از علما گفته‌اند که مراد امام معصوم است در این صورت می‌دانیم که حضرات معصومین در چهار مسجد اقامه نماز کرده‌اند. بنابراین جمع بین روایات همین چهار مسجد می‌شود.

مصنف: دو دسته روایات در کتب روایی وجود دارد: دسته اول روایاتی مانند صحیحه حلبی است که ملاک را مسجد جامع می‌داند؛ هر چند در آن نماز جماعت بر پا نشده باشد و دسته دوم روایاتی مانند صحیحه عمر بن یزید است که ملاک را مسجدی می‌داند که در آن نماز جماعت صحیح منعقد شود.

جمع بین این دو روایت به این است که گفته شود مراد از جامع در دسته اول، یعنی نمازی که جامع شرایط باشد.

اقوال در محل اعتکاف:
- معروف: مسجد جامع محل اعتکاف است.
- عده ای: منحصر در مساجد اربعه است.
- عده ای: هر مسجدی که نماز جماعت در آن برگذار شده باشد.
- عده ای: هر مسجدی که امام عادلی در آن نماز خوانده باشد.
- عده ای: همه مساجد.

تطبیق

۶. و اما اعتبار کون المسجد جامعا فهو رای معروف و ان ذهب البعض الی الحصر بالمساجد الاربعة و آخر الی الاکتفاء بکل مسجد انعقدت فیه جماعة صحیحة؛ و منشا ذلک، اختلاف الروایات. ففی بعضها الاکتفاء بالمسجد الجامع کصحیح الحلبی المتقدم و غیره.

٦- مستند این که شرط است مسجد باید جامع باشد رای معروف است، اگر چه بعضی فقط قائل به مساجد اربعه می‌باشند و بعضی قائل به هر مسجدی هستند که در آن نماز جماعت صحیح منعقد شده باشد و منشأ این

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

اختلافات، روایات است که در بعضی از آن‌ها فقط به مسجد جامع اکتفا شده است؛ مانند صحیحه حلبی که گذشت و غیر آز آن.

و فی بعضها الآخر اعتبار صلاة الامام العدل جماعة، کصحیح عمر بن یزید : «قلت لابی عبد الله علی السلام : ما تقول فی الاعتکاف ببغداد فی بعض مساجدها؟ فقال: لا اعتکاف الا فی مسجد جماعة قد صلی فیه امام عدل صلاة جماعة و لا باس ان یعتکف فی مسجد الکوفة و البصرة و مسجد المدینة و مسجد مکة»[1]

در برخی روایات برپاداشتن نماز جماعت به امامت امام عادل را نیز برای مسجد شرط دانسته‌اند؛ مانند صحیحه عمر بن یزید : «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم چه می‌گویید در مورد اعتکافی که در بعضی از مساجد بغداد[2]، بر پا می‌شود؟ امام فرمود: هیچ اعتکافی نیست مگر این‌که در مسجدی برقرار شود که در آن امام عادل نماز جماعت بر پا کرده باشد، هیچ اشکالی در اعتکافی که در مسجد کوفه و بصره و مدینه و مکه برپا می‌شود نیست.»

و قد فهم البعض من الامام العدل الامام المعصوم علیه‌السلام و رتب علی ذلک حصر المساجد فی الاربعة لانها اللتی صلی فیها الامام المعصوم علیه‌السلام.

برخی از علما از امام عادل، همان امام معصوم را فهمیده‌اند و به همین جهت اعتکاف را در مساجد چهارگانه‌ای که امام معصوم در آن‌ها نماز خوانده است، محصور کرده‌اند.

الا ان الفهم المذکور قابل للتامل. فان الظاهر کون المقصود کل امام جماعة عادل و معه یکون المدار علی المسجد الذی انعقدت فیه جماعة صحیحة.

مگر این‌که این فهم، دارای اشکال باشد و ظاهر برپایی نماز جماعت توسط امام عادل، امام جماعت عادل باشد، حال هر مسجدی که در آن برپا شود.

و النتیجة ان لدینا طائفتین: ما دل علی اعتبار المسجد الجامع و ان لم تنعقد فیه جماعة صحیحة، و ما دل علی اعتبار انعقاد الجماعة الصحیحة بلا لزوم کونه جامعا.

نتیجه این‌که در نزد امامیه دو طایفه از اخبار است: ادله روایی مثل صحیحه حلبی بر اعتبار مسجد جامع دلالت می‌کند هر چند در آن نماز جماعت صحیحه برپا نشده باشد؛ و ادله‌ای مانند صحیحه عمر بن یزید بر اعتبار مسجدی که در آن نماز جماعت صحیح بر پا شده باشد دلالت می‌کند، هر چند مسجد جامع نباشد.

و یمکن الجمع بحمل الجامع علی ما انعقدت فیه جماعة صحیحة و کان جامعا لها لا علی المعروف فی البلد. اجل الاحوط ان یکون جامعا للوصفین معا؛ واحوط منه کونه احد الاربعة.

---

[1]. وسایل الشیعة، باب ۳ من الاعتکاف، حدیث ۸.

[2]. بغداد: پایتخت فعلی کشور عراق، از آن به مناسبت در باب‌های صلات، جهاد و لقطه سخن رفته است.

فقها در مقام تقسیم دار الاسلام، یکی از اقسام بلاد اسلامی را بلادی دانسته‌اند که در اسلام بنا شده و مشرکان در بنای آن نقشی نداشته‌اند و بغداد را از جمله این بلاد شمرده‌اند. براساس پاره‌ای روایات، از اقامت و بیتوته در بغداد، نهی شده است. « بحار الأنوار ۵/ ۲۷۹، ۱۴/ ۲۱۱؛ مستند العروة(الصلاة) ۸/ ۴۲۲» فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ ج۲، ص: ۱۲۱.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

می‌توان بین این دو دلیل جمع کرد و جامع را حمل کرد بر مسجدی که در آن نماز جماعت صحیح برپا شده باشد و جامع تمام شرایط نماز جماعت باشد، نه این‌که مراد از جامع، همان مسجد جامعی باشد که در شهر معروف است. بلکه مطابق احتیاط آن است که اعتکاف در مسجد جامعی باشد که در آن نماز صحیح برپا شده باشد و بهتر است که اعتکاف در مساجد چهار گانه انجام شود.

Sco۲ : ۱۹: ٤۹

ادله محرمات اعتکاف

در حال اعتکاف مجامعت با زنان جایز نیست.

ادله حرام بودن جماع

الف) آیه قرآن کریم؛ در قرآن کریم آمده است: «وَ لا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عاكِفُونَ فِي الْمَساجِدِ»[۱]یعنی «در هنگام اعتکاف در مساجد با همسرانتان همبستر نشوید».

ب) روایات؛ از امام رضا علیه‌السلام سؤال می‌شود: معتکف می‌تواند با همسرش معاشرت کند، امام می‌فرماید نمی‌تواند نه در شب و نه در روز حق مجامعت با همسر ندارد.

سؤال: اگر از لذت‌های دیگر غیر از جماع از همسرش بهره ببرد آیا جایز است؟

پاسخ: از آیات و روایات استفاده می‌شود که مجامعت جایز نیست و بیش از این دلالت ندارد و می‌توان درباره حکم سایر لذت ها از همسر، در زمان اعتکاف به اصل برائت تمسک کرد.

تطبیق

۷. و اما عدم جواز مباشرة انساء، فلقوله تعالی: «و لا تباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد»[۲] و لموثقة الحسن بن الجهم عن ابی عبد الله علیه‌السلام : «المعتکف یاتی اهله فقال: لا یاتی امرءته لیلا و لا نهارا و هو معتکف»[۳] و غیرها.

و اما مستند عدم جواز مباشرت با زن‌ها، سخن خدای بلند مرتبه است: «و با زنان هنگام اعتکاف در مسجد، مباشرت نکنید» و به دلیل موثقه ابن جهم از امام رضاعلیه‌السلام: «آیا معتکف می‌تواند با خانواده‌اش مباشرت کند؟ فرمود: با عیالش مباشرت نکند نه شب و نه روز در حالی که معتکف است».

۸. و اما اختصاص الحرمة بالجماع، فلاصل البرائة بعد قصور المقتضی.

اما مستند اختصاص حرمت به جماع، اصل برائت است بعد از این‌که ادله از غیر جماع قاصر هستند.

Sco۳: ۲۲: ۵۰

حرمت استشمام به قصد تلذذ

---

[۱]. بقره/ ۱۸۷.

[۲]. البقره، ۱۸۷.

[۳]. وسائل الشیعة، باب ۵ من الاعتکاف، حدیث ۱.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

گفته شد که شخص معتکف حق ندارد به قصد تلذذ از بوی خوش و بوی گل‌ها بهره‌مند شود سؤال این است که آیا اصل استشمام حرام است یا به قصد تلذذ حرام است؟ مصنف می‌فرماید: گرچه برخی از روایات به تلذذ تعبیر نکرده‌اند اما منصرف از روایات استشمام به قصد تلذذ است[1] و ثانیا روایاتی از بوئیدن گل با قصد تلذذ نهی نموده است.

و ریحان چون در کنار استشمام طیب در روایات قرار داده شده؛ لذا به قرینه سیاق گفته می‌شود استشمام طیب هم به قصد لذت حرام است.

چند نکته:

نکته اول: معامله – چه این که بخرد یا بفروشد– در اعتکاف جایز نیست و مستند آن نیز روایات است.

نکته دوم: جدال کردن در حال اعتکاف حرام است و فرقی نمی‌کند که غرض دنیوی یا دینی باشد؛ البته اگر به قصد غلبه باشد، اما اگر به غرض اقامه حق و دین باشد مانعی ندارد.

نکته سوم: معتکف در حال اعتکاف نمی‌تواند از مسجد خارج شود، مگر در ضرورت و مستند همان روایت داود بن سرحان است که امام علیه السلام فرمود: «معتکف حق خروج از مسجد را ندارد، مگر این‌که ضرورت اقتضا کند».

مستند برخی از احکام

دلیل:
- استحباب موکد اعتکاف، آیه قرآن و موثقه سکونی است.
- شرطیت صوم در اعتکاف، صحیحه حلبی است.
- مسجد جامع بودن محل اعتکاف، روایات است، البته روایات مختلف است.
- جایز نبودن نزدیکی با همسر، آیه قرآن کریم است.
- جایز نبودن استشمام بوی خوش و عطر، صحیحه عبیده است.

تطبیق

۹. واما عدم جواز شم الطیب و الریاحین، فلصحیحة الی عبیده عن ابی جعفر علیه‌السلام: «المعتکف لایشم الطیب ولا یتلذذ بالریحان و لا یماری و لا یشتری و لا یبیع»

---

[1]. دلیل، انصراف است؛ یعنی مصنف معتقد است گرچه حرمت بوئیدن مطلق است و مقید به قید خاصی مانند تلذذ نیست، اما انصراف به حالت تلذذ دارد؛ زیرا بوئیدن مساوی با تلذذ است، یعنی هر جا بوئیدنی باشد لذت نیز وجود دارد و بسیار کم اتفاق می افتد که بوئیدن بدون لذت باشد؛ پس روایت از بوئیدنی که بدون قصد لذت باشد انصراف دارد.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

و اما عدم جواز استشمام بوی خوش و ریاحین، صحیحه ابی عبیده از امام باقر علیه‌السلام است : «معتکف استشمام بوی خوش نکند و لذت نبرد از ریاحین، و نزاع نکند و چیزی نخرد و نفروشد».

۱۰. و اما اعتبار التلذذ فی شم الطیب، فللانصراف الی ذلک و لعل منشاه ان شم الطیب بما هو طیب یساوی الالتذاذ. علی ان تقیید النهی فی الریحان بالتلذذ قد یوکد ذلک.

و اما شرط لذت بردن در استشمام بو، به خاطر انصراف ادله به آن است و شاید منشا انصراف این باشد که استشمام همیشه با لذت بردن است، علاوه بر این‌که تقیید نهی در ریحان با لذت بردن بر آن تاکید دارد.

۱۱. و اما النهی عن البیع و الشراء و المماراة – الجدال– فلصحیحة المتقدمة

نهی از خرید و فروش و نزاع (جدل) به دلیل صحیحه بالا می‌باشد.

۱۲. واما تقیید النهی عن المماراة بما کان لغرض دنیوی او دینی بقصد الغلبة دون ما کان لدحض باطل او اثبات حق، فلانصراف النهی الی ذلک.

و اما تقیید نهی از نزاع برای امور دنیوی یا دینی به قصد غلبه می‌باشد، اما اگر برای اثبات حق یا رد باطل باشد، اشکالی ندارد؛ چون نهی ازآن منصرف است.

۱۳. و اما عدم جواز الخروج الا لما ذکر فلصحیحة داود بن سرحان المتقدمة فی رقم ۱.

و مستند این‌که معتکف نباید از مسجد خارج شود مگر برای کار ضروری، صحیحه داود بن صرحان است که در شماره یک گذشت.

Sco٤ : ۲۹: ۱۰

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))

چکیده

۱. آیات قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام دلالت می‌نماید بر این‌که اعتکاف یکی از بهترین اعمال عبادی است.

۲.معتکف نمی‌تواند در اعتکاف کمتر از سه روز روزه بگیرد به دلیل موثقه عمر بن یزید از امام صادق علیه‌السلام که می‌فرمایند: «اعتکاف در کمتر از سه روز صحیح نیست».

۳. نظر معروف این است که اعتکاف باید در مسجد جامع باشد و برخی گفته‌اند باید در مساجد چهارگانه‌ای باشد که معصوم در آن نماز خوانده است و عده‌ای نیز می‌گویند: در هر مسجدی که جماعتی در آن برگزار شده، اعتکاف صحیح است و منشا این اختلاف، روایات است.

٤. مصنف از مجموع روایات بر این قول می‌رسد که اعتکاف در هر مسجدی که نماز جماعت صحیح در آن اقامه شده است، صحیح است.

۵. استشمام بوی خوش در صورتی مخل به اعتکاف است که همراه با لذت باشد و در روایات نیز به این مطلب اشاره شده است.

٦. اگر مجادله و ممارات در زمان اعتکاف برای اقامه حق و ابطال باطلی باشد به دلیل انصراف ضرری به اعتکاف ندارد.

۷. دلیل حرمت بیع و شراء در اعتکاف، صحیحه عبیده است.

۸. دلیل مقید بودن حرمت به جماع، اصل برائت است و این‌که ادله از غیر جماع قاصر است.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش هاي غیر حضوري حوزه هاي علمیه خواهران مي باشد))